

سابقه اصطلاح نقطه و حروف در آثار حضرت باب حدیثی است که از حضرت علی ابن ابی طالب روایت شده که فرمود: «ان کُلَّ ما فی التوراة و الانجیل و الزبور فی القرآن و کُلَّ ما فی القرآن فی الفاتحة و کُلَّ ما فی الفاتحة فی البسملة و کُلَّ ما فی البسملة فی الباء و کُلَّ ما فی الباء فی النقطة.»^۱ از این حدیث که در آثار مبارکه مکرر یاد شده حضرت نقطه اولی دو مطلب ابداع فرموده‌اند. نخست اینکه همچنان که نقطه منشأ تصویر انواع خطوط و حروف است چه که از خطوط عالم ممکنات صورت پذیرفته، یعنی در مرتبه اجسام همه نقوش و صور موجودات از تنوع خط شکل پذیرفته و از حرف در مرتبه نطق و کلام که ما به الامتیاز انسان از سایر موجودات است نقطه به عنوان سرآغاز حروف و کلمات قرار گرفته است، در عوالم روحانی نیز مبدأ و مرجع وجود به نقطه حقیقت تسمیه شده و حقایق روحانی که در وجود انسانی ودیعه است از آن نقطه یکتای مبرّاز حدود و قیود تجلی نموده است.

نکته دوم ابداع مفهوم روحانی به تناسب مختصات حروف است که از نقطه آغاز می‌شوند. حروف و بالتبع کلمات که منشعب از نقطه و در ظل آن هستند به اعتباری می‌توان گفت از مقام تجرد نقطه به مراتب تقید و تنوع وجودی رسیده‌اند و هر یک با شکل و هیأت مخصوص خود از دیگران متمایزاند. از آنجا که هر حرف بنفسه مستقل و متضمن مشخصات معینی است که در ترکیب با سایر حروف به تشکیل کلماتی مستقل منتهی می‌شود و دارای معانی و مفاهیم مستقل و مخصوص می‌گردد می‌توان گفت که هر حرف دارای روحی و شخصیتی خاص خود است و از این جنبه و جهت با افراد انسانی که دارنده قوه درک و تمیزند مشابهتی در کلیات دارد. شاید بر این اساس است که در کتاب بیان افراد انسانی به حروف تسمیه شده‌اند و به عنوان "حروف علّیین" و "حروف دون علّیین" اهل ایمان و اهل انکار از یکدیگر ممتاز می‌شوند.^۲

از مفهوم اشارات مندرج در بیان چنین مفهوم می‌شود که این قرار تا ظهور من یظهره الله ادامه خواهد داشت ولی در باره بعد از آن ذکر می‌فرموده‌اند و محتملاً نظر به همین اصل حضرت نقطه به تنزیل نوزده تویع خطاب به هجده حرف حی مؤمن به من یظهره الله و وجود مبارک خود اقدام فرموده و آنها را با صدور تویعی به ساحت من یظهره الله مزین داشته‌اند و بنا بر این اساس چنین به نظر می‌رسد که بدین وسیله رجوع حروف حی بیان را در ظهور من یظهر موعود منظور داشته و نفس مبارک خود و سایر حروف حی را در یوم ظهور، اول من آمن موعود بیان معرفی فرموده‌اند. این تویعات در ابتدای مطالع الانوار به هدایت حضرت ولی امرالله درج شده اما نکته‌ای که شایان توجه است این است که تویع نوزدهم که حضرت نقطه آن را "مجمع الهیاکل" نامیده و به وجود خود آن را مربوط و منسوب فرموده‌اند در حقیقت خطاب به نوزدهمین حرف حی نیست زیرا حروف حی بیش از هجده نفس نبوده‌اند اما اگر

آن را خطاب به نوزدهمین حرف و واحد اول بدانیم مطلبی صحیح و نکته‌ای تمام است زیرا عدد واحد به حساب ابجد معادل با عدد نوزده است و این حقیقتی است که جا دارد در نشر بعدی این اثر مبارک منظور گردد.

بر اساس حدیثی که در اول نقل شد همه حقایق روحانیه در "بسم الله الرحمن الرحيم" و لفظ "باء" و "نقطه" مندرج است. تعداد حروف بسم الله الرحمن الرحيم نوزده حرف است و کلمه واحد نیز به حساب ابجدی مساوی نوزده می‌باشد. ظاهراً بر این اساس و با توجه به اهمیتی که عدد نوزده در قرآن دارد^۳ حضرت نقطه اولی ترتیبی ابداع فرموده که آن را می‌توان به صورت هرمی تشبیه کرد که در رأس آن نقطه بیان و در ظل او هجده حرف حی و در ظل هر حرف مجدداً هجده حرف دیگر قرار دارد و این ترتیب الی غیر النهایه ادامه خواهد داشت.^۴ امتداد این نظام تا نوزده رتبه که حاصل آن به سیصد و شصت و یک بالغ می‌شود در بیان تصریحاً مذکور و به نام "کل شیء" که معادل عدد مزبور است نامیده شده اما مفهوم تبیین حضرت نقطه اولی متضمن این مطلب است که کل شیء متضمن بی‌نهایت است یعنی واحدهای بی‌شمار را در بر خواهد داشت.^۵

در خاتمه این یادداشت مختصر یادآوری این نکته جا دارد که این توجیه و ترتیب نظر به اینکه در مورد حروف و کلمات است ممکن است با افکار فرقه‌های حروفیان و نقطویان مرتبط و وابسته شناخته شود در حالی که چنین نیست زیرا عقاید فرقه‌های مزبور بر اساس خواص و کیفیت‌های اعجاز آمیزی است که بر اساس تصورات و توجیهاات خود به حروف الفبا نسبت می‌دهند و حروف را با عوالم مافوق ماده مرتبط می‌سازند و به تأثیر آن در عوالم انسانی معتقدند اما اشارات و اصول مندرج در نظامی که حضرت نقطه اولی تأسیس فرموده‌اند فقط نمودار نظامی است که در تمام مراتب و درجات عالم وجود متجلی و موجود است و حکایت از وحدت اساس و قوانین وجودی در کلیه عوالم از مفردات نقطه و خط و حرف تا اعلی مراتب روحانی و معنوی دارد و چنان که در سراسر آثار حضرت نقطه زیارت می‌شود مطلقاً متضمن اشاره به علوم غریبه نیست.

یادداشت‌ها

- ۱- تفسیر بسم الله الرحمن الرحيم، مندرج در مکاتیب حضرت عبدالله، جلد اول. این حدیث در موارد دیگر علی‌الخصوص تفسیر "کنت کنت" نیز ذکر شده است.
- ۲- بیان فارسی، واحد دوم، باب چهارم.
- ۳- محققین علوم اسلامی بر اساس مطالعات کامپیوتری دریافته‌اند که اساس نظم الفاظ قرآن کریم بر عدد ۱۹ استوار شده است و آن را از معجزات قرآنی محسوب داشته‌اند و اینکه تعداد حروف بسم الله الرحمن الرحيم نوزده است مؤید حدیث مزبور از جنبه ظاهری نیز خواهد بود.
- ۴- بیان فارسی، واحد هفتم، باب هشتم.
- ۵- خطبه بیان فارسی.